



06/01/2016

## نقدی بر پروژه "همبستگی برای دموکراسی و حقوق بشر در ایران" - "چالش انتخابات با ثبت نام در آن"

همبستگی برای دموکراسی و حقوق بشر در ایران در تاریخ ۲۳ مه ۲۰۰۹ با سندی (پیوست ۱) 12 ماده‌ای اعلام موجودیت کرد. تعدادی از روشنفکران و فعالان سیاسی - مدنی نیز این سند را امضاء کرده‌اند. اما در تاریخ ۳ دسامبر ۲۰۱۵، "همبستگی بیانیه ای (پیوست ۲) درباره انتخابات صادر و استراتژی و تاکتیک‌هایی را معرفی کرد که به نظر نگارنده این یادداشت، در تضاد با بیانیه نخست آنها است. یادداشت زیر در نقد این بیانیه نوشته شده است.

امیدوارم که "همبستگی" بعد از ارزیابی مجدد انتخاب راهکار تازه‌اشان به اشتباه بزرگشان پی ببرد و این چنین ساده و بدون توجه به گرداب "انتخابات / انتصابات" وارد نشوند. این اشتباه در رای دادن، کاندیدا شدن و یا نشدن و یا به چالش کشیدن انتخابات به هر روشی نیست. شاید برخی اعتقاد دارند که می‌توان با "رای دادن یا ندادن" و یا "کاندیدا شدن و یا نشدن" در مقابل استبداد متحجر دینی ایستاد؛ ضمن احترام به این انتخاب تاکتیکی، معتقدم که این نظام به برآورده کردن خواسته های دموکراتیک مردم هیچ باوری ندارد و برعکس باید این خواسته ها را بر نظام تحمیل کرد.

نکته دیگر آنکه، انتخاب "همبستگی" بر "به چالش کشیدن" حکومت از طریق ثبت نام در انتخابات، اگر تنها تبلیغاتی برای مطرح کردن خود نبوده باشد، هزینه سنگینی برای "همبستگی" در ادامه راه دموکراتیک خواهی اش خواهد داشت. اینکه یک نهاد سکولار و معتقد به آزادیخواهی از حکومت استبدادی بخواد که شرایط برگزاری انتخاباتی "آزاد" و "منصفانه" را فراهم کند، اشتباهی غیرقابل پذیرش است؛ هر چند که نام آن را "استراتژی" بگذارند. همانطور که مطرح شد مشارکت یا عدم مشارکت در هر انتخاباتی حق دموکراتیک هر شهروندی است. اما در مورد عدم دقت در انتخاب راهکار "چالش انتخاباتی" "همبستگی" استناد به اصول 23، 24، 26 و 27 قانون اساسی است. به منظور آشنایی با روند انتخابات، نگاه هر چند مختصری به فرم ثبت نام و سپس به اصول استناد شده در بیانیه می پردازم.

فرم ثبت نام در انتخابات، فرمی است که هر فردی که خود را واجد شرایط انتخابات بداند، می‌تواند آن را تکمیل و به وزارت کشور ارائه دهد. این فرم (پیوست ۳) شامل مواردی نظیر سن، سابقه، میزان تحصیلات، و بخشهایی است که التزام ثبت نام کننده به نظام جمهوری اسلامی را مورد تاکید قرار می‌دهد. بخش‌هایی از این فرم به صورت کوتاه مورد اشاره قرار میدهم:

"...به استناد ماده 28 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام باید ... اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران... و ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه (داشته باشند)."

اگر شخصی این فرم را امضاء کند اتوماتیک وار در جایگاه "اپوزیسیون" تعریف نخواهد شد. در این صورت اگر افراد ثبت نام کننده در انتخابات خود را در جایگاه اپوزیسیون تعریف می‌کنند بهتر است به دنبال تعریف دیگری از اپوزیسیون و یا فعال آزادیخواه باشند. هر چند در برخی گزارش‌ها آمده است که یکی از اعضای "همبستگی" بر روی یکی از این موارد یا بیشتر خط کشیده است و سپس فرم در خواستی را تقدیم مقامات وزارت کشور کرده و با این کار نظام جمهوری اسلامی را به چالش کشیده است! این اقدام را چگونه می‌توان تعریف کرد؟ آیا این یک چالش "قهرمانانه" است و یا چیز دیگری؟

یکی از شرطهای عقلانی ثبت نام در هر نهاد و سازمانی که نیازمند پر کردن فرم مربوط باشد این است که آن فرم به صورت کامل و بدون هیچ گونه خط خوردگی تکمیل و به مسوولان مربوط تحویل داده شود. در بیشتر موارد فرم‌های ناقص و یا فرم‌هایی که خط خوردگی داشته باشند بی درنگ از گردونه بررسی خارج می‌شوند. حال پرسش این است که چگونه می‌توان با این روش نظام استبدادی را به چالش کشید؛ اگر آن را عجیب خوانند بی‌تردید باید در تاثیرگذاری شک کرد.

تصور کنید که امضاء کنندگان، اعضای "همبستگی" و ثبت نام کنندگان انتخابات به سازمانهای جهانی و حقوق بشری شکایت و درخواست کنند که نقض حقوق فردی درخواست کنندگان نمایندگی مجلس شورای اسلامی مورد رسیدگی قرار بگیرد. اما چه حقی از آنها سلب شده است؟ چه چالشی در مقابل رد درخواست نامزدی آنها در انتخابات مجلس شورای اسلامی ایجاد کرده اند؟ آنها چطور به جهانیان ثابت خواهند کرد که سیستم انتخاباتی در ایران

نقض کننده حقوق بشر است؟ اگر یکی از این نهادهای حقوق بشری به آنها گوش فرا دهد و جمهوری اسلامی را به پای میز محاکمه بکشاند، اعضاء محترم امضاء کنندگان بیانیه "همبستگی" و معترضان آنها چه نتیجه ای خواهند گرفت؟ فکر نمی کنند در این دادگاه خیالی، جمهوری اسلامی اعلام می کند که "فرم ثبت نام ناقص/ خط خورده بوده و بر این اساس آنها نتوانسته اند به مرحله بعدی راه یابند. آیا دست جمهوری اسلامی برای آوردن عذر و بهانه پر نخواهد بود که این افراد نه به دلایل مسائل سیاسی و یا داشتن اعتقادی خاص بلکه به دلیل نقص فرم حتی به مرحله تعیین صلاحیت نرسیدند. بر همین اساس است که بر این باروم ثبت نام در انتخابات و قبول ماده های ۱ و ۳ و بی تفاوت بودن نسبت به آنها، استناد به اصلهای ۲۳، ۲۴، ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی، يك عقب گرد و نوعی نگاه ناپخته به جایگاه "اپوزسیون" و رفتار و عملکرد دموکراتیک است.

اما این تنها اشتباه تاکتیکی کسانی که در انتخابات ثبت نام کردند، نیست بلکه اشتباه اساسی تر متوجه "همبستگی" و بیانیه اخیر آنها است که توهم اصلاح نظام در چارچوب قانون اساسی را ایجاد کرده است. این بیانیه با استناد به چهار اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی، به نوعی تلاش دارد که این استبداد متحجر دینی را از واپسگرایی و قدرت طلبی منصرف کند و به آنها درس دموکراتیک حکومت داری بیاموزد.

"همبستگی" در ابتدای بیانیه خود از دردها و مشکلات مردم لب به سخن می گشاید و از استبداد و دموکراسی سخن می گوید. جایی از اینکه تاکنون "در جمهوری اسلامی هیچ انتخابات آزادی نداشته ایم" می نویسد اما برای رفع و پیشبرد "کارها" از همان حکومت مستبد طلب یاری می کند و می نویسد: "... ما از دولت می خواهیم که برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی شرایط را برای انتخابات آزاد فراهم کند. اصلهای ۲۳، ۲۴، ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی را می شود برای نخستین بار در جمهوری اسلامی رعایت کرد. ...". اگر به اصلهای قانون اساسی که "همبستگی" به امید و اتکاء آنها قصد باز کردن جبهه جدیدی در مقابل نظام ولایتی- فقهی داشته است، بپردازیم؛ افق کورته بینی آنها آشکارتر خواهد شد.

اما پیش از پرداختن به اصولی که در بیانیه "همبستگی" به آنها استناد شده است بهتر است به بررسی یکی از ابتدایی ترین اصولی که در قانون اساسی کشورهای جهان صادق است که همان انسجام اصلها و تبصره ها با یکدیگر است، بپردازیم.

به عنوان مثال اصول مربوط به شورای نگهبان و اختیارات این شورا از اصول اختیارات رهبری جدا نیست یا اینکه نمی توان این دو بخش از قانون اساسی را از بخش مربوط به قوانین انتخابات مجلس شورای اسلامی جدا تصور کرد. پس اگر بخشی از قانون اساسی زیر سوال برود، به صورت منطقی تمامی ساختار و انسجام قانون اساسی زیر سوال خواهد رفت. اعضاء و امضاء کنندگان بیانیه ۲۰۱۵/۱۲/۳، فقط به چهار اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی اشاره کرده و خواهان اجرای آنها شده اند. این به آن معنا است که با اصول دیگر مخالفتی نداشته و یا آنها را چندان مانع رسیدن به "دموکراسی" و حق حاکمیت مردم ندانسته اند. البته فرض دیگری نیز می توان در نظر گرفت و آن اینکه اعضاء و امضاء کنندگان بیانیه تلاش کرده اند کل قانون اساسی را زیر سوال ببرند! اما انتخاب اصل یا اصولی از قانون اساسی و تفسیر آنها بدون در نظر گرفتن دیگر مواد این قانون اشتباه یا "تحریف" و به گمراهی رفتن است.

بررسی اصول مورد استناد در بیانیه "همبستگی"، بخش دیگر این یادداشت است که به ترتیب به آنها پرداخته می شود؛

(الف) اصل ۲۳ قانون اساسی؛

بر اساس این اصل؛ "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد."

با نگاهی مختصر به احکام صادر شده در دادگاههای جمهوری اسلامی و حتی رد صلاحیت ثبت نام کنندگان، هیچ زمانی دادستانی و شورای نگهبان قبول یا استناد به تفتیش عقاید نکرده اند. در نظام قضائی جمهوری اسلامی هرگز کسی را به دلیل عقایدشان محاکمه و مجازات نکرده اند. هر چند که این دروغ بزرگ بر هیچ کسی پنهان نمانده است اما مسوولان حکومت اعلام می کنند که افراد را بر اساس قانون و موازین شرعی، محاکمه، مجازات و یا رد صلاحیت کرده اند. این همان عدم دقت در تفسیر یکسویه قانون اساسی جمهوری اسلامی است که "همبستگی" به آن دچار شده است. پس احکام مجازاتها بر اساس تفتیش عقاید صادر نشده و کسی بدلیل تفتیش عقاید به زندان نرفته است، بلکه بر اساس موازین شرع اسلام و دستور ولی فقیه بوده که "کاملن قانونی" است.

(ب) اصل بیست و چهارم قانون اساسی؛

این اصل می گوید که "تشریحات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند."

سؤال این است که مرجع تشخیص دهنده در این زمینه کدام ارگان، دستگاه و نهاد است. آیا اعضاء محترم "همبستگی" و امضاء کنندگان بیانیه، به درجه تقلید و یا مرجعیت رسیده اند تا بر اساس علم فقهی شان حکم کنند که "آزادی که مورد نظر آنها است مخل اسلام نیست؟" یا آیا اساسن موافق این نکته از قانون اساسی هستند که "آزادی"

فقط وقتی مغل "اسلام" نباشد جایز است؟ در دیدگاه اعضاء محترم "همبستگی" و امضاء کنندگان بیانیه، چه کسی می‌تواند "مغل حقوق عمومی" است؟ آیا نهادی که خود را سکولار معرفی می‌کند و خواهان جدایی دین از نهاد حاکمیت است، می‌تواند به این اصل تکیه کند و انتخابات و نظام را به چالش بکشد؟ آن هم در چارچوب قانون اساسی؟ این استراتژی توسط خاتمی و دیگر اصلاح طلبان از دهه ۷۰ شروع و امتحان هم شد و از نظر نگارنده شکست خورده است. اما اگر هنوز نهادها و افرادی وجود دارند که به این روش اعتقاد دارند و این پروژه - اصلاح نظام از درون نظام - را در سر دارند، حق دموکراتیک آنها است که بر اساس باور خود عمل کنند هر چند مسلم است که آنها از تاریخ درس نگرفته‌اند. اما اعضاء نهاد "همبستگی" اصلاح طلب شده اند یا نه این نیز پرسشی است که خودشان باید پاسخگو باشند.

پ) اصل بیست و ششم قانون اساسی؛

بر اساس این اصل "احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت."

همانند اصل بیست و چهارم، این موازین اسلام که از آن صحبت می‌شود چیست و حد و مرزش چگونه تعریف می‌شود تا به نحوی نیروهای مردمی آن را نقض نکنند؟ آیا با اتکاء به این اصل، این مفهوم را اعضاء محترم "همبستگی" و امضاء کنندگان بیانیه قبول کرده اند که آزادی و حق تشکیل احزاب... باید بر اساس موازین اسلام باشد؟ آیا اعضاء محترم "همبستگی" و امضاء کنندگان بیانیه، تعریفی از اساس جمهوری اسلامی دارند که اگر احزابی آن را نادیده بگیرند حق تشکیلات و فعالیت شان را از دست می‌دهند؟ مگر یکی از مهمترین اصول جمهوری اسلامی ولایت مطلق فقیه نیست؟ آیا اعضاء محترم "همبستگی" و امضاء کنندگان بیانیه، با این اصل مخالفی ندارند؟

ث) اصل بیست و هفتم؛

این اصل می‌گوید "تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مغل به مبانی اسلام نباشد آزاد است". در اینجا نیز به "مغل به مبانی اسلام" اشاره شده است که پیشتر به آن پرداخته شد. همانطور که توضیح داده شد، نمی‌توانیم یک ماده قانون اساسی را آنطور که خود می‌خواهیم تفسیر و تحریف کنیم و بر اساس آن انتظار داشته باشیم جبهه تازه‌ای در مقابل استبداد گشوده شود. به عنوان مثال با توجه به اصل 57 قانون اساسی مشخص می‌شود که؛ "قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، مجریه و قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند." این اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی تاکید می‌کند که تمام قوای سه گانه بدون چون و چرا تحت امر ولی فقیه و امامت امت کار خواهند کرد. این بدین معنا است اگر روزی که -امکانش بسیار کم است - مجلس شورای اسلامی از نمایندگان مردم اشباع شود، باز حکم حکومتی پابرجا خواهد بود و تنها کار ممکن برای نمایندگان مردم استعفا خواهد بود. آیا اعضاء محترم "همبستگی" و امضاء کنندگان بیانیه، مجلس ششم را از یاد برده اند؟ آیا وقت آن نرسیده است که به اشتباه خود پی ببرند و در جهت تصحیح ان گام بردارند؟

با مهر

اکبر کریمیان

## بیوست ۱

متن سند همبستگی

شنبه 23 مه 2009

به نام سعادت ملت ایران

- میهن ما در شرایط بسیار حساس و سرنوشت سازی قرار گرفته است در طی سالهای گذشته زیر پا نهادن بنیادی ترین حقوق شهروندی مردم ایران، نادیده گرفتن تعهدات بین المللی در عرصه حقوق بشر و قانون بین الملل توسط گروه حاکم و بطور کلی پایبند نبودن آنها به حاکمیت قانون باعث شده است تا فرصتهای طلایی و تاریخی بسیاری را که در عرصه ی درونی و برون مرزی نصیب ملت شده بود از دست برود و ملت را از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معیشتی در شرایط بسیار سختی قرار دهد. همه ی این نابسامانی ها ناشی از ضعف مدیریتی، بی برنامهگی و ناکارآمدی سردمداران و بی اعتنایی آنها به حقوق اساسی ملت است.

ملت بزرگ ایران که نخستین اعلامیه ی جهانی حقوق بشر را برپایه ی همزیستی فرهنگ ها، آزادی، برابری، بردباری و سازگاری نژادی و مذهبی برای جهانیان به ارمغان آورد، یک صد سال است که در راستای استقلال، آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در نهضت هایی مانند جنبش مشروطه، جنبش ملی شدن صنعت نفت و تحولات اجتماعی و سیاسی سال ۵۷ تلاش می کند. با پیشینه ای چنین گرانقدر، ملت ایران شایسته ی برخورداری از حکومتی برپایه ی دموکراسی، حقوق بشر، آزادی های بنیادین و حکومت قانون می باشد.

ما به آگاهی همگان می‌رسانیم که در راستای این خواسته دیرپای ملت ایران گروهی از شخصیت‌های ملی و وابستگان به حزب‌ها، سازمان‌ها و نهاد‌های مدنی و صنفی که پایبند به تمامیت سرزمینی، استقلال، جمهوری خواهی، اصول دموکراسی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشند گرد هم آمده و یک همبستگی تحت عنوان همبستگی برای دموکراسی و حقوق بشر در ایران به وجود آورده و پایبندی خود را به اصل‌های زیر اعلام می‌کند از همه‌ی ایرانیان و آزادی‌خواهان جهان خواستاریم که ما را در راستای برآورده شدن این خواسته‌ها یاری نمایند.

- ۱- حفظ تمامیت سرزمینی و استقلال ایران
  - ۲- پذیرش مفاد منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق‌های آن
  - ۳- حاکمیت قانون بر خاسته از اراده‌ی آزاد مردم
  - ۴- تغییر قانون اساسی و حذف اصل‌های مغایر با حاکمیت ملت
  - ۵- جدایی دین از حکومت
  - ۶- تاکید بر دموکراسی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی
  - ۷- تاکید بر حقوق برابر همه‌ی اقوام ایرانی
  - ۸- تاکید بر برابری حقوق زن و مرد
  - ۹- رفع هرگونه تبعیض از لحاظ جنسیتی، نژادی، قومی، عقیدتی و مذهبی
  - ۱۰- پاسداری از زبان پارسی که بن‌مایه‌ی فرهنگ، یک پارچگی و هویت تاریخی و ملی است با احترام و پذیرش دیگر زبان‌های رایج در سرزمین ایران
  - ۱۱- نفی هرگونه خشونت و شکنجه اعم از اینکه از مجاری قانونی یا خودسرانه اعمال شود
  - ۱۲- توسعه همه‌جانبه اقتصادی و اجتماعی همراه با گسترش عدالت اجتماعی و نفی هرگونه بهره‌کشی
- <http://www.hambastegi-iran.org/spip.php?article1>

## بیوست ۲

پنجشنبه 3 دسامبر 2015

ما کشوری آسیب دیده اجتماعی هستیم که در طی سه دهه گذشته کماکان در مرحله توسعه نیافتگی باقی مانده ایم، فقیر شده ایم، معتاد شده ایم، تحقیر شده ایم، صنعت و کشاورزی و زیست بوم خود را از دست داده ایم، و بطور کلی از هستی ساقط شده ایم. ما سدها هزار تن کشته در جنگی تحمیلی و دهها هزار در قتل عام و اعدام‌ها از دست داده ایم، در فساد اداری و شمار اعدام‌ها و اعتیاد و بیسوادی و بیکاری به رتبه‌های اول جهان رسیده ایم؛ ولی در عوض دو سه هزار تن سران حاکمیت را برتر و ثروتمند کرده ایم. (کلمه انتصخابات از سوی خبرگر نقل شده است.)

ما همه خواهان یک حکومت دموکرات بدون وابستگی به باورهای ایمانی مردم هستیم، که آزادی‌های مدنی و حقوق بشری همه باشندگان را تضمین کند و شرایط را برای بازسازی خرابی‌ها و پیشرفت و رفاه ملت و سربلندی ملی فراهم آور هدف ما در "همبستگی برای دموکراسی و حقوق بشر در ایران" که قشر روشنفکر، میهن دوست و آینده نگر کشور را تشکیل می‌دهیم، خواسته‌هایی است که برای دستیابی به آنها و نجات کشورمان، ابراز و راهکارهای رسیدن به آنها را پیشنهاد کنیم. ما برای ایران دموکراسی می‌خواهیم، یعنی فرمانروایی مردم بر مردم برای مردم و با رای مردم؛ یعنی یک نظام سیاسی که هیچگونه وابستگی ایدئولوژیک، ابزاری، نژادی، یا مذهبی نداشته باشد. یعنی مردم کشور آزاد باشند بهر عقیده و مذهب و فرقه و نظام سیاسی یا اقتصادی باور داشته باشند. یعنی یک نظام مردمسالار بر پایه رای اکثریت با حفظ حقوق اقلیت، برابری همه شهروندان در برابر قانون؛ و آنهم تنها قانونی که نمایندگانی که با رای آزاد مردم برگزیده شده اند تدوین کرده باشند؛ قانونی که میان اکثریت و اقلیت، دیدگاه‌ها و مذهب‌ها، زن و مرد، تفکیک و تبعیضی قایل نشود، که هیچ سازمان یا شهروندی نتواند به آزادی و حقوق شهروندی دیگری تجاوز کند، که اصول بیانیه جهانی حقوق بشر چراغ راه حکومت و جامعه باشد. توضیح درج‌واژه (انتصخابات) از سوی خبرگر است.

ولی این خواست باید در چارچوب ساختاری تعریف شود که بتواند کشور را با شرایط و ویژگیهای موجود مدیریت کند. ساختاری که از بازتولید خودکامگی جلوگیری کند، و همه مردم بتوانند در تعیین سیاستهای کشور مشارکت کنند. ساختاری که همه باشندگان کشور را به هم میهن بودن و حفظ تمامیت ارضی کشور و یکپارچگی ملی باورمند و متعهد کند. ساختار سیاسی دلخواه ما بر انتخابات آزاد استوار است، یعنی آزادی‌گزینش؛ اصلی که برای نخستین بار منشور کورش بزرگ تضمین کرد.

ما در جمهوری اسلامی تا کنون هیچ انتخابات آزادی نداشته ایم، و همه مجلس‌های شورا فرمایشی و غیرملی بوده‌اند؛ و بهمین دلیل هرگز هیچ کار مثبت اثرگذاری برای کشور انجام نداده‌اند. ما از دولت می‌خواهیم که برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی شرایط را برای انتخابات آزاد فراهم کند. اصلهای ۲۳، ۲۴، ۲۶ و ۲۷، قانون اساسی جمهوری اسلامی را می‌شود برای نخستین بار در جمهوری اسلامی رعایت کرد.

همبستگی برای دموکراسی و حقوق بشر در ایران شرایط ضروری برای یک انتخابات آزاد، دموکراتیک و فراگیر را بشرح زیر اعلام می‌کند:

۱. زندانیان سیاسی و عقیدتی منطبق با اصل 23 ممنوعیت تفتیش عقاید، در يك اعلامیه عمومی آزاد شوند.
۲. فعالیت و گردهمایی برای حزبهایی سیاسی و سازمانهای مدنی طبق اصل‌های ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی آزاد شود.
۳. رسانه‌ها بر پایه اصل ۲۴ قانون اساسی آزاد اعلام و از تهديد و سانسور خودکامگی- محور مطبوعات خودداری شود.
۴. شوراي نگرهبان نیاید در گزینش نامزدان دخالت کند، زیرا مسئولیت قانونی تنها نظارت بر اجرای درستکارانه انتخابات است.
۵. امامان جمعه، مسئولان تراز اول حاکمیت و فرماندهان نظامی از دخالت در انتخابات و از تبلیغ علیه یا له نامزدان پرهیز نمایند.
۶. وزارت کشور با یک پرسشنامه ساده نامزدان را شناسایی و بدون تفتیش عقیده یا التزام نامنویسی کند.

۷. يك كارگروه شامل نمايندگان دولت و نمايندگان حزبهایی كه در انتخابات شركت می کنند بر حوزه های رای گیری نظارت كنند.
۸. نامزدان مجلس میزان و منبع پولهایی را كه براي تبلیغات انتخاباتی خود هزینه می کنند، به كارگروه نظارت اعلام كنند. نامزدانی كه در گذشته تصدی مقام كشوری، لشكری یا انتخابی داشته اند میزان و منابع ثروت اكتسابی خود را در طول مدت تصدی اعلام كنند. گزارش دروغ یا پنهانكاری موجب عدم صلاحیت نامزد میشود.
۹. صدا و سیما وقت مساوی به همه نامزدان در حوزه های انتخابیه خود تخصیص بدهد.
۱۰. كارگروهی از ناظران برگزیده شوراي حقوق بشر سازمان ملل انتخابات را نظارت كنند. چنین مجلسی می تواند آغازگر يك جنبش سیاسی بی خشونت و تدریجی برای قانونگزاری مورد نیاز يك جامعه آزاد و مردمسالار باشد كه در آن همه مردم بی هیچ تبعیض یا محدودیت در سرنوشت و اداره كشور مشاركت داشته باشند، و همه مردم برای پیشرفت و نیرومندی و سربلندی میهن تلاش نمایند.

همبستگی برای دموکراسی و حقوق بشر در ایران  
داود هرمیداس باوند، کورش زعیم، حشمت الله طبرزدی  
تهران - نهم آذر 1394 - 30 نوامبر 2015م

<http://www.khabargar.co/p/3-2015.html?m=1>

### پیوست ۳

فرم شماره 23 آگهی ثبت نام از داوطلبین انتخابات مجلس شورای اسلامی:

بسمه تعالی  
آگهی ثبت نام

در اجرای ماده 45 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ماده 21 آئین نامه اجرایی آن، بدین وسیله به اطلاع اهالی محترم حوزه انتخابیه بیجار می رساند كه ثبت نام از داوطلبان نمایندگی دوره دهم مجلس شورای اسلامی در این حوزه انتخابیه از تاریخ 94/9/28 تا 94/10/4 جمعاً به مدت 7 (هفت) روز به عمل خواهد آمد. لذا داوطلبان می توانند به منظور اعلام داوطلبی خود در مهلت تعیین شده با همراه داشتن مدارك ذیل به این فرمانداری یا ستاد انتخابات كشور مراجعه و اقدام به تکمیل فرم ثبت نام نمایند.

- اصل کارت ملی و سه نسخه تصویر آن.
- 2- اصل شناسنامه عكسدار و سه نسخه تصویر کلیه صفحات آن.
- 3- عكس جدید 4 × 3 ده قطعه (ترجیحاً با زمینه روشن).
- 4- اصل و تصویر آخرین مدرك تحصیلی و یا مدرك معادل كه معتبر باشد.
- 5- اصل و تصویر گواهی رسمی مبنی بر قبول استعفاء و عدم اشتغال در پست و مقام و مشاغل مشمول استعفاءی موضوع ماده 29 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.
- 6- اصل و تصویر برگ پایان خدمت وظیفه عمومی و یا مدرکی معتبر دال بر روشن بودن وضعیت مشمولیت خدمت وظیفه عمومی.

به استناد ماده 28 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخاب شوندهگان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند:

- 1- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.
  - 2- تابعیت كشور جمهوری اسلامی ایران.
  - 3- ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه.
  - 4- داشتن مدرك تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن.
  - 5- نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه.
  - 6- سلامت جسمی در حد برخوردار از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی.
  - 7- حداقل سن سی سال تمام و حداکثر هفتاد و پنج سال تمام.
- تبصره 1- داوطلبان نمایندگی اقلیت های دینی مصرح در قانون اساسی از التزام عملی به اسلام، مذکور در بند (1) مستثنی بوده و باید در دین خود ثابت العقیده باشند.
- تبصره 2- حذف شد.
- تبصره 3- هر دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی معادل يك مقطع تحصیلی فقط برای شركت در انتخابات محسوب می شود.
- بر اساس قانون تفسیر ماده (28) كه در تاریخ 12 /5/ 1390 به تایید شورای نگهبان رسیده، مدرك معادل تحصیلی در هر مقطع تحصیلی مدرکی است كه واجد ارزش استخدامی باشد.
- در ضمن به استناد تبصره 2 ماده 9 قانون یاد شده هیچ يك از داوطلبان نمایندگی نمی توانند در بیش از يك حوزه انتخابیه خود را نامزد نمایند.
- در غیر اینصورت نامزدی آنان كلاً باطل و از شركت در انتخابات آن دوره مجلس محروم می گردند.
- همچنین به استناد ماده 46 قانون مذکور هر يك از داوطلبان نمایندگی مجلس می توانند شخصاً و به صورت كتبی انصراف خود را به فرمانداری یا بخشداری مركز حوزه انتخابیه و یا وزارت كشور اعلام نمایند و عدول از انصراف نیز پذیرفته نمی شود.